روزنامه شرق

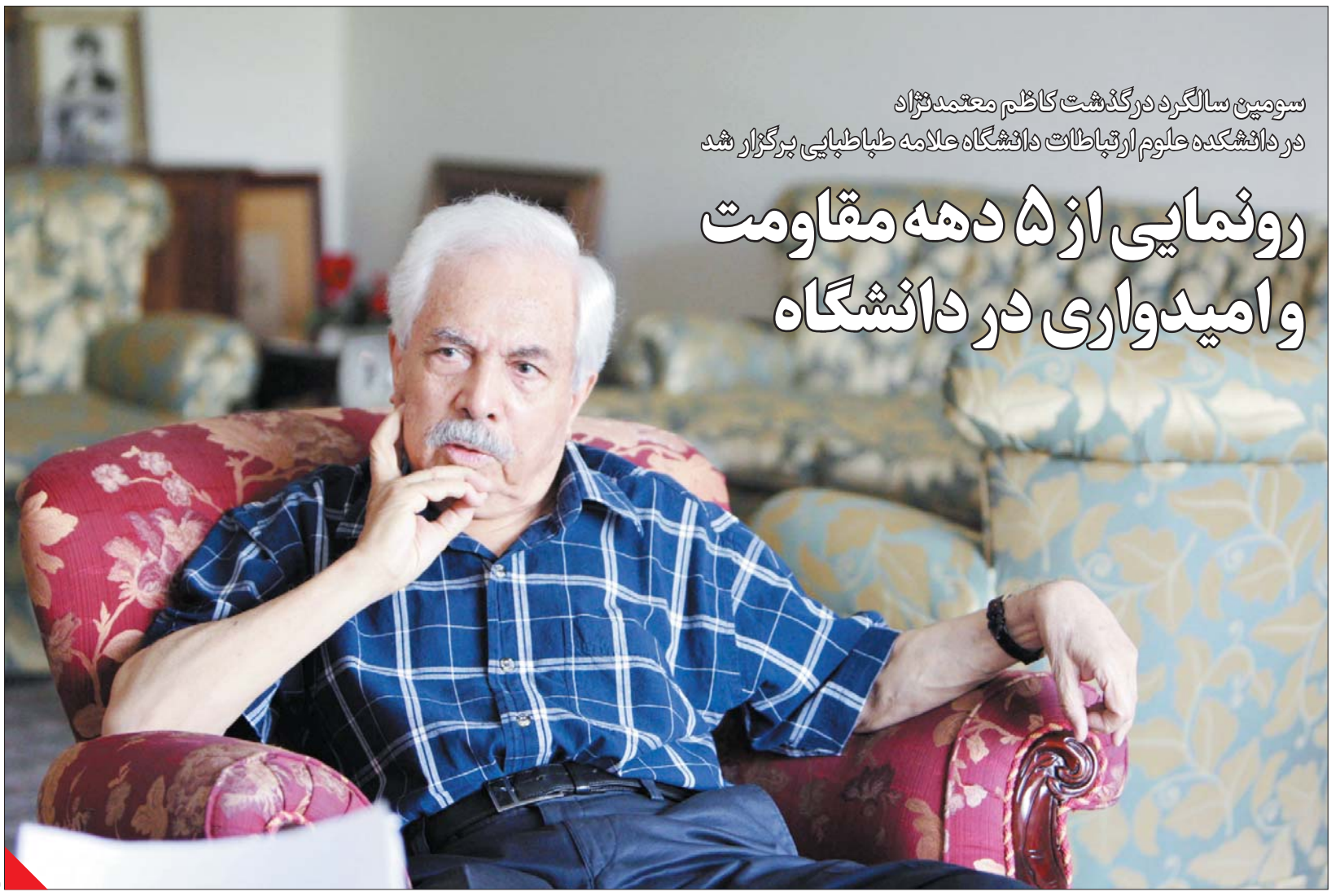

عکس: مهدی حسنی، شرق

سومین سالگرد درگذشت کاظم معتمدنژاد در دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد

رونمایی از ۵ دهه مقاومت و امیدواری در دانشگاه

شرق: بسیاری از شاگردان سابق، در اتاقی که دیوار شیشه‌ای آن مشرف به راهروی طبقه سوم دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی است جمع شده بودند تا از سومین تندیس دکتر کاظم معتمدنژاد در دانشکده ارتباطات رونمایی کنند. این تندیس به شکل و با ابعاد واقعی ساخته شده و در اتاقی قرار گرفته که به معتمدنژاد و کتاب‌ها و نوشته‌های او اختصاص یافته است.

در سومین سالگرد درگذشت معتمدنژاد، همچنان شاگردانش خود را وام‌دار او می‌دانند و تلاش می‌کنند یادش و البته مهم‌تر از آن، فکر و طرز نگاهش را زنده نگه دارند؛ شاگردانی که بسیاری از آنها، سال‌های بعد از انقلاب فرهنگی را به یاد می‌آورند که «دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی» منحل و به همین ترتیب، رشته ارتباطات نیز از فهرست کنکور حذف شده بود و آنچه از رشته پرطمطراق ارتباطات در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی مانده بود، تبدیل شده بود به یکی از گرایش‌های رشته جامعه‌شناسی. نقش تاریخی معتمدنژاد این بود که رشته علوم ارتباطات را که پایه‌های دانشکده‌اش را با همکاری مؤسسه کیهان از سال ۱۳۴۶ گذاشته بود، در دهه ۱۳۶۰ با تمام توانی که داشت حفظ کرد و توانست به‌تدریج در دهه ۱۳۷۰ به کمک شاگردانش آن را احیا کند.

حالا دانشکده علوم ارتباطات، نه مثل دهه ۱۳۶۰ مهجور است و نه مثل نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ با مخالفت‌های دولتی و کارشکنی‌هایی برای احیای خود مواجه است. رشته علوم ارتباطات در سال‌های دهه ۱۳۷۰ در دانشگاه علامه طباطبایی رشد کرده و کارش تا حدی بالا گرفته بود که در سال ۱۳۸۲ دوباره دانشکده‌اش احیا شد؛ اما سال‌ها طول کشید تا دو دولت نهم و دهم که کار را متوقف کرده بودند بگذرند و درنهایت، سال گذشته ساختمانی مستقل در دهکده المپیک نصیب علوم ارتباطات شود.

روز یکشنبه این هفته، ۲۰ آذر ماه، شاگردان سابق کاظم معتمدنژاد دور هم جمع شده بودند تا مراسم سالگرد او را برگزار کنند. سخنرانانی نیز از بیرون از حلقه شاگردان برای این مراسم دعوت شده بودند. معتمدنژاد در ۱۴ آذرماه سال ۹۲ درگذشت و در ۱۶ آذر به خاک سپرده شد اما محمدمهدی فرقانی، رئیس دانشکده علوم ارتباطات، در ابتدای مراسم گفت مراسم سالگرد او دیرتر برگزار شده تا مقارن با ابتدای هفته پژوهش باشد و بتوان بهتر مقام علمی و پژوهشی او را تجلیل کرد. فرقانی گفت: «مرحوم دکتر معتمدنژاد فقط یک استاد و معلم درس در سر کلاس نبود بلکه معلم اخلاق و یک پژوهشگر برجسته در علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری هم بود. بخش مهمی از ادبیات روزنامه‌نگاری و علوم ارتباطات که همه ما با آن تکلم می‌کنیم و در مقالات و صحبت‌هایمان از آن یاد می‌کنیم میراثی است که از ایشان به یادگار مانده است». رئیس دانشکده علوم ارتباطات همچنین گفت برگزاری سالگرد معتمدنژاد به یک مطالبه عمومی تبدیل شده و شاهد آن را تماس خبرنگارانی در روزهای قبل از مراسم دانست که با او تماس می‌گرفته‌اند و بی‌خبر از مراسم بزرگداشت می‌پرسیده‌اند که چرا برای معتمدنژاد سالگردی گرفته نمی‌شود.

سومین سالگرد معتمدنژاد را شاگردان او در دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه برگزار می‌کردند اما سخنرانان افرادی خارج از دانشکده بودند. باقر ساروخانی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، محمدامین قانعی‌راد، رئیس سابق انجمن جامعه‌شناسی ایران و شهیندخت خوارزمی، نایب‌رئیس انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی، سخنرانان مراسم سومین سالگرد درگذشت معتمدنژاد بودند. پیش از آنان نیز حسین سلیمی، رئیس دانشگاه علامه طباطبایی سخن گفت.

سلیمی خبر داد که به‌زودی در دانشگاه علامه، یک موزه مفاخر برای تحکیم هویت این دانشگاه در عرصه‌های ملی و بین‌المللی ایجاد خواهد شد که بخشی از آن نیز به معتمدنژاد اختصاص داده خواهد شد. سپس از مزیت‌های ایجاد دانشکده علوم ارتباطات سخن گفت و تعریف کرد که در سال گذشته در مذاکره با مقاماتی از یونسکو، بیشترین رغبت برای همکاری این نهاد با دانشکده علوم ارتباطات ابراز شده بوده است. رئیس دانشگاه علامه طباطبایی این سؤال را مطرح کرد که آیا ایجاد دانشکده علوم ارتباطات برای علوم اجتماعی که مدام درهم‌تنیده‌تر می‌شود درست بوده یا نه. او گفت که امروزه دانشمندان حوزه‌های علوم انسانی خیلی جدایی از هم را احساس نمی‌کنند و دیوارهای بین رشته‌ها فروریخته اما نکته مهمی که باعث ایجاد دانشکده علوم ارتباطات شده به تمرکز بر حوزه‌های مختلف مربوط بوده است. سلیمی گفت: «در شرایط کنونی جهانی و بالاخص در شرایطی که ما در جامعه امروز داریم، وجود دانشکده و نگاه علمی و نگاه اخلاقی به حوزه ارتباطات بسیار ضروری به نظر می‌رسد. به‌همین‌دلیل بود که ما تأسیس این دانشکده را در اولویت قرار دادیم و به‌سرعت آن را محقق کردیم. امروز ما در دو حوزه نگاه علمی به ارتباطات و نگاه اخلاقی به حوزه ارتباطات نیازمند جد و جهد جدیدی هستیم».

محصول دوران پساکودتا

باقر ساروخانی اولین سخنران مدعو مراسم سالگرد معتمدنژاد بود. او از دهه ۱۳۵۰ جامعه‌شناسی ارتباطات تدریس می‌کرده و کتاب‌هایی دراین‌زمینه تألیف کرده است. ساروخانی نیز همچون معتمدنژاد در دانشگاه سوربن فرانسه درس خوانده و با اینکه می‌گفت در دوران تحصیل با هم ارتباطی نداشته‌اند اما پس از آن، از سال ۱۳۴۷ در ایران با هم آشنا و همکار نزدیک شده بودند. او سعی کرد از اخلاق و منش علمی معتمدنژاد بگوید و تلاش کرد تشریح کند کسانی که مانند معتمدنژاد جزء «سرمدان و جاودانگان تاریخ» قرار می‌گیرند چه ویژگی‌های شخصیتی‌ای دارند.

ساروخانی گفت افرادی مانند معتمدنژاد هدفمند زندگی کرده‌اند: «ایشان از همان سال‌هایی که آشنایی ما شروع شد معاون دانشکده بودند و می‌گفتند که باید به کمک هم این دانش را بسط بدهیم». از نظر ساروخانی، کسانی که در تاریخ جاودانه می‌شوند توانایی و استعداد در رسیدن به هدف خود دارند، تلاش کرده‌اند که استعدادهای خود را افزایش و گسترش دهند، دارای انگیزه زیادی برای کار و فعالیت خود بوده‌اند و از استقامت زیادی هم در مسیر کاری‌شان برخوردار بوده‌اند و معتمدنژاد نیز این خصوصیات را داشته است. او گفت: «لازم نیست حوادثی که در جریان این سال‌ها برای ایشان پیش آمد بازگو شود اما هیچ‌وقت ایشان از کارشان کناره نگرفتند. حتی زمانی که مشکل پیش می‌آمد می‌گفت که باید بیشتر کار کرد و انگیزه‌هایش را هیچ‌گاه از دست نمی‌داد. این خیلی کار بزرگی بود. آنهایی که در اوج مشکلات بتوانند مشکل را تبدیل به فرصت ارتقا بکنند آدم‌هایی هستند که حتما در تاریخ به یادگار خواهند ماند و حتما سرمدی خواهند بود». سپس از دنبال‌کردن بحث آزادی بیان توسط معتمدنژاد گفت: «اعتقاد راسخ دکتر معتمدنژاد آزادی بیان بود. به ایشان می‌گفتم که آزادی بیان خوب است به شرطی که فرهنگ دموکراسی و افراد خردمندی باشند که بتوانند از میان حرف‌های مختلف بهترین آن را انتخاب کنند. ایشان کاملا با من موافق بود اما بحث بر سر این بود که ما باید از کجا شروع کنیم؛ آیا از بلوغ اجتماعی شروع کنیم یا از آزادی بیان شروع کنیم؟ هر دوی ما این عقیده را داشتیم که ما نباید صبر کنیم تا این بلوغ به وجود بیاید و سپس آزادی مطبوعات ایجاد شود بلکه هر دو باید به‌تدریج و با هم به وجود بیاید».

در مراسم سومین سالگرد درگذشت کاظم معتمدنژاد، محمدامین قانعی‌راد تنها کسی بود که از پروژه فکری معتمدنژاد صحبت و تلاش کرد که آن را تشریح کند. او در ابتدای سخنانش گفت که «شاید بهتر بود به جای مراسم سالگرد مرگ معتمدنژاد، به‌جای اینکه با آهنگ‌های دلخراشی که در این ویدئوها هست برای خودمان مصیبت تولید بکنیم، سالروز تولدش را که ۲۱ اردیبهشت است بگذاریم روز دانش ارتباطات در ایران و یک همایشی از صبح تا عصر برگزار شود و به چالش‌ها و مسائل مرتبط با دانش رسانه و ارتباطات در ایران پرداخته شود تا دانشجویان و استادان دانش ارتباطات به خود فخر بفروشند و شادمان باشند از داشتن یک چنین استادی و ببینند که چگونه می‌توان راه او را ادامه داد». قانعی‌راد نیز مثل ساروخانی، از شعر روی پوستر مراسم که روی آن نوشته شده بود «یاد آر، ز شمع مرده یاد آر» انتقاد کرد و گفت معتمدنژاد شمعی که مرده باشد نیست. رئیس سابق انجمن جامعه‌شناسی

تندیس جدید معتمدنژاد / عکس: عطا

ایران گفت که می‌خواهد تحلیلی جامعه‌شناسی درباره فعالیت‌های علمی معتمدنژاد ارائه کند و بحث خود را از مقایسه شکل‌گیری جامعه‌شناسی معرفت در آلمان با جامعه‌شناسی ارتباطات در آمریکا شروع کرد. از نظر او، این دو جامعه‌شناسی در دو شرایط مختلف ایجاد شدند و این هم بازمی‌گردد به فضای دموکراتیک‌تری که در آمریکا وجود داشته و مشارکت اجتماعی جامعه آمریکا ایجاب کرده که در آنجا، در جامعه‌شناسی بیشتر ارتباطات مطرح شود و به جامعه‌شناسی ارتباطات جمعی و باورهای توده‌های گمنام و افکار عمومی در وسایل ارتباط جمعی نقش بیشتری داده شود؛ باورهای توده‌های گمنامی که در جامعه تأثیر می‌گذارند و به جامعه شکل می‌دهند. او گفت: «در آمریکا ما می‌بینیم که افکار عمومی و باور عمومی و فرهنگ توده‌ای اهمیت دارد و محققان جامعه‌شناسی ارتباطات بیشتر آن را مطالعه می‌کنند ولی در آلمان، جامعه‌شناسی معرفت روی نخبگان و نظام‌های معرفتی یکپارچه و کلان دست می‌گذارد و به‌جای اینکه مورد به مورد، ایده‌ها و آرای عموم را بسنجد، بیشتر نگاه می‌کند به اندیشه‌هایی که نزد نخبگان تولید می‌شود. این تفاوت به ساختار دموکراتیک‌تر جامعه آمریکا از جامعه اروپا و به‌ویژه آلمان که مهد جامعه‌شناسی معرفت است بازمی‌گردد».

قانعی‌راد گفت می‌خواهد معتمدنژاد را به عنوان یکی از محصولات جامعه پساکودتا معرفی کند: «مسئله کودتا در تاریخ اندیشه ایران خیلی تأثیرگذار بود و ضربه سال ۱۳۳۲ روی اندیشه، تفکر، فضای روشنفکری و تحولات فکری ایران خیلی تأثیر گذاشت. موقعی که کودتا می‌شود دکتر معتمدنژاد ۱۹ساله است، دکتر علی شریعتی ۲۰ساله است و دکتر غلامحسین صدیقی که البته معاون نخست‌وزیر و وزیر کشور است یک فرد ۴۸ساله است. این سه نفر به نظر می‌آید که جهت‌گیری‌های مختلفی را در آینده ایران ترسیم می‌کنند و بازتابی از وضعیت پس از کودتا هستند». او ادامه داد: «در دوران بعد از کودتا، از سویی ما با یک روح شکست‌خورده و ناامید پس از کودتا مواجه هستیم و از کشور خارج می‌شود یا در داخل در انزوا قرار می‌گیرد و ازسوی‌دیگر، ما با یک روح زخم‌خورده و دارای نظام مفهومی دوگانه طرف هستیم که شاید بشود در علی شریعتی آن را دنبال کرد. از سویه سوم نیز ما با یک روح آزرده اما از طرفی امیدوار به آینده روبه‌رو هستیم که شاید بشود معتمدنژاد را نماینده این روح دانست. او تصور می‌کند که شاید بشود از طریق ارتباطات و روزنامه‌نگاری آینده را ساخت؛ البته این به آن معنا نیست که در همان فضا و شرایط ساخت ولی معتمدنژاد به نحوی پیشرو بود در شناخت آنچه ماهیت جامعه جدید هست و کم‌کم این فضا ایجاد شد که ارتباطات نه‌تنها همزاد جامعه جدید و مسئله اصلی در جامعه جدید است - هم به معنای ارتباطات انسانی و رویارو هم به معنای رسانه و ارتباطات ساختاری - بلکه راه‌حل مسائل است؛ یعنی فراتر از ارتباطات جای دیگری نمی‌شود راه‌حل مسائل را جست‌وجو کرد و ما باید به طرف یک نگاه ارتباطی برویم تا بتوانیم مسائل خود را حل کنیم؛ مانند آنچه بعدا هابرماس مطرح کرد که محور مرکزی ساختار جامعه مدرن ارتباط و کنش متقابل است و نه آن نیروهای مولدی که در دیدگاه سنتی وجود داشت. همچنین در اثر همین دیدگاه ارتباطی، مفهوم میان‌ذهنیت به‌تدریج کشف می‌شود و اینکه حقیقت باید اعتبار میان‌ذهنی داشته باشد». قانعی‌راد گفت: «شاید یکی از راه‌حل‌ها در مقابل چندگانه‌شدن جهان، همین بحث ارتباطات بوده است. ما این چندگانه‌شدن جهان را در شرایط پس از کودتا به نحوی می‌بینیم؛ یعنی آن امید به ساخت یکپارچگی و امید به ایجاد یک جامعه واحد، به نحوی با این کودتا مورد تردید و چالش قرار می‌گیرد و جامعه ایران شدیدا چندپارچه و چندگانه می‌شود؛ به‌طوری‌که برخی افراد راه‌حل را در تقابل بین این پاره‌های مختلف جست‌وجو می‌کنند و خیلی‌های دیگر نیز راه‌حل را در ارتباط قراردادن و نزدیک‌کردن پاره‌های از هم جدا افتاده به همدیگر می‌دیدند. به نظر من، معتمدنژاد به عنوان یک جوان ۱۹ساله، نمی‌توانسته در مقابل مسائل کودتا بی‌تفاوت باشد و کودتا تأثیرات زیادی را در ذهن این جوان گذاشته و سیکل بعدی زندگی او را شکل داده است».

از نظر عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، مهاجرت‌های میان‌رشته‌ای معتمدنژاد از حقوق و علوم سیاسی به سمت ارتباطات و توسعه، به معنی مهاجرت از علوم سخت به علوم نرم بوده است: «او به تدریج از یک مفهوم ساده‌تر از ارتباطات که مفهوم روزنامه‌نگاری و روابط‌عمومی است، به سمت ارتباطات جمعی و ارتباطات اجتماعی و ارتباطات عمومی حرکت می‌کند و در سال‌های اخیر هم مقولاتی مثل جامعه اطلاعاتی را شکل می‌دهد. جامعه‌شناسی ارتباط جمعی، محصول جامعه آمریکا در قالب توجه‌کردن به توده‌ها بوده و بیشتر هم در خدمت بازتولید نظام اجتماعی به معنای ابعاد اقتصادی و سیاسی جامعه، با تبلیغات و نظام سرمایه‌داری و با شکل‌دادن به افکار عمومی و مهندسی اجتماعی مرتبط است؛ اما ارتباطات عمومی به دنبال این است فضایی ساخته شود که آدم‌های مختلف در گستره جمعی و حوزه عمومی، به هم نزدیک شوند».

قانعی‌راد، با تسامح، فرهنگ سیاسی را به سه دسته فرهنگ سیاسی آمریکایی‌شده، فرانسوی‌شده و آلمانی‌شده تقسیم کرد و گفت: آمریکایی‌شدن همان مکتب نوسازی بود که تصور می‌کرد از طریق سازمان برنامه و بودجه، توسعه صنایع و شهرسازی و افزایش سواد و تحصیلات، می‌توان مشکلات جامعه را حل کرد و اگر مشکلی هست، ناشی از کمبود سرمایه‌گذاری و تحصیلات و کوچک‌بودن شهرها است. فرانسوی‌شدن فرهنگ سیاسی از نظر قانعی‌راد، همراه است با حمایت یونسکو که از نظر او، نمودش همکاری‌هایی است که صدیقی، حتی قبل از تأسیس مؤسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی، انجام می‌داد یا پیوندی است که احسان نراقی با یونسکو داشت و همچنین همکاری‌هایی که معتمدنژاد با یونسکو داشت یا به نقل از رئیس دانشگاه علامه در همان روز مراسم، تمایلی که یونسکو برای همکاری با دانشکده علوم ارتباطات داشته است. قانعی‌راد گفت: «یونسکو به عنوان فضای چپ سازمان ملل متحد، در مقابل فضای راست آمریکا و اسرائیل قرار دارد. در خود سازمان ملل، هر طرحی را که آمریکا مطرح می‌کرد، همه به آن رأی می‌دادند؛ اما در یونسکو هر طرحی که آمریکا مطرح می‌کرد، نقد می‌شد. هم شریعتی، هم صدیقی و هم معتمدنژاد، همه تحصیل‌کرده فرانسه هستند. یکی از محورهای فرانسوی‌شدن فرهنگ هم تأکید روی گفت‌وگوی تمدن‌ها بود که هم اثری از مجید تهرانیان به این نام وجود دارد، هم دکتر معتمدنژاد روی آن کار کرده و هم همایش گفت‌وگوی تمدن‌ها از طریق احسان نراقی و دیگران، پس از انقلاب برگزار شد. اینجا بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها به این معناست که بالاخره هویت ملت‌های مختلف در شرایط جهانی‌شدن چگونه می‌تواند فراهم شود تا ملت‌ها بتوانند ارتباطات خود را در فضای جهانی داشته باشند و درعین‌حال از استقلال و هویت ملی هم برخوردار باشند. یکی از دغدغه‌های دکتر معتمدنژاد همین بود». او ادامه داد: «دو جریان را ما در فرانسوی‌شدن فرهنگ می‌بینیم که در قالب فرد، آنها را با صدیقی و معتمدنژاد بازنمایی می‌کنم و در قالب نهادی، با مؤسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی که در سال ۱۳۳۷ تأسیس می‌شود و دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی که در سال ۱۳۴۶ ایجاد می‌شود؛ نهاد اول، در پی توسعه دانش اجتماعی است و نهاد دوم، به دنبال توسعه دانش ارتباطات». در نهایت، قانعی‌راد، معتمدنژاد را سمبل تبدیل روشنفکر پیشگام به روشنفکر ارتباطی دانست؛ یا روشنفکر تفسیرگر به جای روشنفکر قانون‌گذار.

نداشتن تفکر جزیره‌ای

آخرین سخنران سومین مراسم سالگرد درگذشت کاظم معتمدنژاد، شهیندخت خوارزمی بود. او در ابتدای سخنانش گفت: «من آزردگی پس از کودتا را در دکتر معتمدنژاد ندیدم و چیزی که در ایشان دیدم، دغدغه‌ای وجودی درباره توسعه ایران بود».

ادامه در صفحه ۱۱

خارجی

پایان بررسی ۵ساله قانون مطبوعات لبنان

بررسی قانون مطبوعات لبنان که به مدت پنج سال تمام در کمیسیون ارتباطات و رسانه پارلمان لبنان ادامه داشت، درحالی پایان یافت که در این پنج سال جهان رسانه و عرصه نشر شاهد تغییرات و تحولاتی زیادی بوده است. به گزارش ایرنا، روزنامه لبنانی السفیر دراین‌باره نوشت: بعداز ۴۹ جلسه بررسی پیش‌نویس قانون مطبوعات و تغییرات پیوسته در آن، سرانجام یک قانون پیشنهادی تصویب شد که آن را «بهترین وجه ممکن» توصیف کرده‌اند. در تهیه این قانون اولیه نمایندگان پارلمان، نمایندگان اتحادیه روزنامه‌نگاران و نویسندگان و نمایندگان رسانه‌های دیداری و شنیداری سهم داشته‌اند و ضمن مشارکت در همه بحث‌ها و بررسی‌ها، از «همه تحولات فنی» این قانون اطلاع پیدا کرده‌اند. شبکه‌های ارتباط جمعی که جنبه شخصی دارند در چارچوب رسانه‌ها قرار نگرفته‌اند و بر بعد حرفه‌ای‌بودن رسانه‌ها در این قانون تأکید شده است. این قانون پس از تصویب در شورای عمومی، سازماندهی چهار منبع حرفه‌ای نشر یعنی رسانه‌های نوشتاری، دیداری، شنیداری و سایت‌های الکترونی را عهده‌دار خواهد شد و البته نظرسنجی‌ها نیز به حکم قانون بخش جدایی‌ناپذیر پرونده نشر به شمار می‌آیند. «حسن فضل‌الله» (وفاداری به مقاومت) و رئیس کمیسیون ارتباطات و رسانه در پارلمان لبنان، هنوز از این قانون راضی نیست و آن را برای حمایت از اصحاب رسانه کافی نمی‌داند و امیدوار است در آینده قانون بهتری تصویب شود. السفیر خاطرنشان کرد این قانون دو دستاورد در زمینه آزادی رسانه‌ها داشته و اولین مورد لغو قانون مجازات زندان در زمینه آزادی بیان و اکتفا به محکومیت‌های مالی است. این روزنامه لبنانی تصریح کرد: دستاورد دوم خروج مطبوعات از انحصارطلبی ۶۰ساله است تا بیش از این مطبوعات و نشریات کاغذی در عصر اینترنت عقب نمانند. قانون جدید انتشار مطبوعات را در چارچوب «شروط، ضوابط، سازوکارها و بخشنامه‌ها» حق همه می‌داند. تعیین ضوابط مالی و نادیده‌گرفتن حقوق کارکنان حوزه رسانه و مطبوعات به‌ویژه در زمینه ثبات اجتماعی و تضمین آزادی بیان ایراد گرفته‌اند. السفیر خاطرنشان کرد: در صورت تصویب نهایی قانون جدید، به طور حتم قانون فعلی رسانه‌های دیداری و شنیداری و قانون کنونی مطبوعات لبنان لغو خواهد شد و همچنین نقش مشورتی شورای ملی رسانه به پایان می‌رسد. برای مثال، صدور مجوز رسانه و لغو آن دیگر در اختیار هیأت دولت لبنان نخواهد بود، بلکه شورای ملی رسانه این مسئولیت را در کنار وظیفه نظارت بر رسانه‌ها و بررسی تخلفات عهده‌دار می‌شود. قرار است در اولین جلسه کاری هیأت دولت جدید لبنان، این قانون پیشنهادی مطرح و بررسی شود، اما کسی نمی‌داند سازوکار آن چگونه خواهد بود و چقدر زمان خواهد برد. حسن فضل‌الله با بیان اینکه «کمیسیون ارتباطات و رسانه با تصویب قانونی یکپارچه برای رسانه‌ها به دنبال تقویت آزادی آنهاست، گفت: ایمان داریم لبنان کشور آزادی‌هاست و این آزادی‌ها یکی از ارزش‌های اساسی ما به شمار می‌آید و باید از آن محافظت شود، چراکه قانون اساسی از آن حفظ و حراست می‌کند و امروز بیش از هر زمان دیگری در بعد قانونی بر حفظ آن تأکید شده است.

خبر

همایش ملی فرهنگ دانشگاهی بدون «دکتر»

همایش ملی فرهنگ دانشگاه و نهادینه‌شدن گفتمان علم در ۲۷ بهمن‌ماه امسال برگزار می‌شود. پنج محور اصلی این همایش عبارت از بوروکراسی و فرهنگ سازمانی دانشگاه، ارزش‌ها و نگرش‌های دانشگاهیان، ارتباطات و تعاملات دانشگاهیان، دانشگاه و نهادینه‌شدن گفتمان علم و نیز ابعاد نظری و مفهومی فرهنگ دانشگاهی است.

به گفته دبیر علمی این همایش که از سوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی برگزار می‌شود، تاکنون بیش از صد چکیده مقاله برای شرکت در این همایش به دبیرخانه آن رسیده است.

سعید پورعلی، معاون فرهنگی جهاد دانشگاهی، در نشست خبری این همایش گفت جهاد دانشگاهی براساس وظایفی که نقشه جامع علمی کشور بر عهده‌اش گذاشته، گفتمان‌سازی علمی در دانشگاه و نهادینه‌کردن آن را شروع کرده است. پورعلی گفت برای نهادینه‌سازی گفتمان علمی در دانشگاه باید ابتدا مؤلفه‌های این گفتمان که هنجارها و فرهنگ خاص خود را دارد، مشخص شود و برگزاری همایش ملی فرهنگ دانشگاهی و نهادینه‌شدن گفتمان علم، برای رسیدن به این مؤلفه‌ها و تولید ادبیاتی است که بتوان با آن کار سیاست‌گذاری را نیز انجام داد. او از استقلال دانشگاه، حرکت به آزادی‌های آکادمیک، مشارکت اعضای هیأت علمی در مدیریت دانشگاه، گسترش رقابت‌های فکری و علمی به جای رقابت‌های سیاسی، پیشگام‌بودن برای نوآوری و علم‌پژوهی، کاوش آزادانه علمی در هر موضوع، تحمل ابهام و بردباری درباره وضعیت‌های نامشخص، بازبودن فرهنگ دانشگاه در زمینه پذیرش وضعیت‌های تناقض‌آمیز و وجود الگوهای ارتباطات خاص و غیررسمی در دانشگاه‌ها، را به عنوان بخشی از مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاه نام برد. معاون فرهنگی جهاد دانشگاهی گفت: «آن اتهام که می‌گوید درحال‌حاضر دانشگاه ناکارآمد است، شاید به علت این باشد که مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی در گفتمان دانشگاه غالب نیست».

علی‌اصغر هدایتی، مدیرکل مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی، نیز درباره همایش فرهنگ دانشگاهی گفت استراتژی جهاد دانشگاهی در بحث ترویج فرهنگ دانشگاهی مشارکتی است، به این معنی که نظام آموزش عالی کمک می‌کند تا تحولی در این زمینه به وجود بیاید. این کار نیز با برگزاری همایش فرهنگ دانشگاهی شروع شده اما با انتشار دوفصل‌نامه فرهنگ دانشگاهی، نشست‌های تخصصی و تألیف و ترجمه کتاب در سال‌های آینده ادامه خواهد داشت.

او تأکید کرد برای نهادینه‌سازی گفتمان دانشگاهی ابتدا باید شبکه‌ای از کارشناسان در این زمینه ایجاد شود و به جای اینکه صرفا ادبیات تخصصی در زمینه فرهنگ دانشگاهی تولید شود، تحقیقات به سمتی حرکت کند که به صورت مقاله‌های سیاست‌گذاری دربیاید و بتوان از آنها برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حوزه نظام آموزشی کمک گرفت. همچنین او بر نقش رسانه‌ها در نهادینه‌شدن گفتمان علمی در دانشگاه‌ها تأکید کرد و گفت به مدد رسانه‌های جمعی، گفتمان علم در محیط‌های آکادمیک و عمومی ترویج می‌شود.

هدایتی در این زمینه، مثالی از روزنامه گاردین مطرح کرد که ۲۰ سال است ضمیمه فرهنگ دانشگاهی را منتشر می‌کند. مدیرکل مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی گفت قدمت موضوع فرهنگ دانشگاهی در محافل علمی جهان بیش از چهار دهه است اما در ایران یک دهه است که این موضوع مطرح شده است.

خسرو قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، نیز در نشست خبری همایش فرهنگ دانشگاهی گفت: «بررسی‌های تجربی نشان داده توسعه در هیچ جای دنیا اتفاق نیفتاده مگر اینکه دانشگاه‌های آن کشورها از قبل توسعه‌یافته باشند. توسعه اصولا از دانشگاه‌ها شروع شده و دانشگاه‌ها پیشروان، حاملان و راهبران اصلی توسعه بوده‌اند. طبق سند چشم‌انداز ۲۰ساله، ما باید قدرت برتر منطقه باشیم و آن را از طریق علم و فناوری به دست آوریم، بنابراین اگر توسعه‌ای در کشور اتفاق می‌افتد باید دانشگاه‌ها در آن نقش اصلی را داشته باشند». قبادی گفت در زمینه ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ دانشگاهی، جهاد دانشگاهی پیش‌قدم شده و از دیگر نهادها نیز انتظار می‌رود به آن کمک کنند.

او تأکید کرد تقویت فرهنگ دانشگاهی به علوم انسانی محدود نمی‌شود و به همه رشته‌های دانشگاهی مربوط است و به‌همین‌دلیل، همایش فرهنگ دانشگاهی در دانشکده علوم دانشگاه تهران برگزار خواهد شد. قبادی گفت: «ما در آستانه برنامه ششم توسعه قرار داریم و باید تأکید کرد نقش دانشگاهیان در حوزه برنامه‌ریزی توسعه باید پررنگ‌تر شود و دستگاه‌های اجرائی باید بیشتر از ظرفیت‌های موجود دانشگاهی استفاده کنند. باید در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، اصحاب علم بیشتر درگیر شوند و رسانه‌ها نیز به‌خوبی این مسائل را پوشش دهند.

اصغر احمدی، دبیر علمی همایش فرهنگ دانشگاهی، گفت این همایش بدون انتساب لقب «دکتر» به اعضای هیأت علمی و شرکت‌کنندگان برگزار می‌شود. او گفت: «اسم این همایش را همایش بدون دکتر گذاشته‌ایم. در دنیای دانشگاهی این چالش که مثل ایران به عنوان دکتر و مدرک دکترا این همه اهمیت داده می‌شود، وجود ندارد.

ما در همایش فرهنگ دانشگاهی سعی می‌کنیم عنوان دکتر را از جامعه دانشگاهی حذف کنیم. اگر بیرون از دانشگاه از این عنوان استفاده می‌شود تا هدف‌هایی غیرآکادمیک محقق شود، ما می‌خواهیم بگوییم در داخل دانشگاه نیازی به چنین عناوینی نیست و مهم کار علمی و پژوهشی است که دانشگاهیان فارغ از القاب و عناوینی مثل دکتر و مهندس انجام می‌دهند».

احمدی گفت مهلت ارسال مقالات برای همایش ملی فرهنگ دانشگاهی و نهادینه‌شدن گفتمان علم ۱۹ دی خواهد بود و از نهادهایی مثل دانشگاه تهران و وزارت علوم و انجمن‌های علمی برای همکاری با همایش تشکر کرد.